

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ

گفتارهایی در الگوی رفتار انتخاباتی جامعه ایران

دکتر پرویز امینی



انشارات
دانشگاه امام صادق علیه السلام

عنوان: گفتارهایی در الگوی رفتار انتخاباتی جامعه ایران

مؤلف: دکتر پرویز امینی

تدوین و تنظیم: سعید نادری اصل و حسن وکیلزاده

ناشر: دانشگاه امام صادق علیه السلام

صفحه آرا: محمد روشنی

نمایه‌ساز و ناظر نسخه‌پردازی و چاپ: رضا دیبا

چاپ و صحافی: چاپ سپیدان

چاپ اول: ۱۴۰۲ / **قیمت:** ۱/۰۰۰/۰۰۰ ریال

شمارگان: ۵۰۰ نسخه

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۵۲۵۹-۹۳-۵

فروشگاه مرکزی: تهران: خیابان انقلاب، بین خیابان فخررازی و خیابان دانشگاه، مجتمع پارسا، همکف، واحد ۳ و ۲
تلفن: ۶۶۹۵۴۶۰۳ - تلفن مرکز بخش: ۰۹۱۰۶۰۶۷۴۱۱
فروشگاه کتاب صادق: تهران: بزرگراه شهید چمران، پل مدیریت، ضلع شمالی دانشگاه
صندوق پستی ۱۵۹-۱۴۶۵۵ • کد پستی: ۰۱۴۶۵۹۴۳۶۸۱ • تلفکس: ۸۸۳۷۰۱۴۲
فروشگاه اینترنتی: <https://press.isu.ac.ir> • E-mail: pub@isu.ac.ir

سرشناسه: امینی، پرویز، ۱۳۵۶ -

عنوان و نام پدیدآور: گفتارهایی در الگوی رفتار انتخاباتی جامعه ایران /

پرویز امینی؛ تدوین و تنظیم: سعید نادری اصل و حسن وکیلزاده.

مشخصات نشر: تهران: دانشگاه امام صادق (علیه السلام)، ۱۴۰۲.

مشخصات ظاهری: ۱۶۷ ص.

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۵۲۵۹-۹۳-۵

موضوع: مشارکت سیاسی - ایران / موضوع: فرهنگ سیاسی - ایران

موضوع: انتخابات - ایران - مشارکت شهروندان

شناسه افزوده: نادری اصل، سعید، ۱۳۷۷ -

شناسه افزوده: وکیلزاده، حسن، ۱۳۶۷ -

شناسه افزوده: دانشگاه امام صادق (علیه السلام)

رده بندی کنگره: JQ ۱۷۸۹

رده بندی دیویی: ۳۲۳/۴۲۰۹۵۵

شماره کتابشناسی ملی: ۹۳۶۷۷۸۹

تمام حقوق محفوظ است، هیچ بخشی از این کتاب بدون اجازه مکتوب ناشر قابل تکثیر یا تولید مجدد به هیچ شکلی از جمله چاپ، فتوکپی، انتشار الکترونیکی، فیلم و صدا و انتقال در فضای مجازی نمی‌باشد.
این اثر تحت پوشش قانون حمایت از حقوق مؤلفان و مصنفان ایران قرار دارد.

فهرست اجمالی

سخن ناشر.....	۱۳
سخن مرکز رشد.....	۱۵
مقدمه	۱۹
گفتار اول: الگوی ترجیحات سیاسی در جامعه ایران.....	۲۵
گفتار دوم: آینده گفتمان در ایران.....	۵۵
گفتار سوم: انتخابات یازدهم ریاست جمهوری؛ کیفیت سیاست ورزی.....	۶۹
گفتار چهارم: انتخابات دهم مجلس شورای اسلامی؛ چرایی شکست اصولگرایان	۸۳
گفتار پنجم: انتخابات دوازدهم ریاست جمهوری؛ نبرد گفتمان ها.....	۹۳
گفتار ششم: انتخابات یازدهم مجلس شورای اسلامی؛ رقابت ایده های حکمرانی...	۱۰۷
گفتار هفتم: منطق انتخابات ۱۴۰۰؛ جانشینی یا هم نشینی؟.....	۱۲۵
گفتار هشتم: انتخابات سیزدهم ریاست جمهوری؛ مسئله مشارکت	۱۳۷
راهنمای واژگان.....	۱۵۳
منابع و مأخذ.....	۱۵۹
نمایه	۱۶۱

فهرست مطالب

سخن ناشر.....	۱۳
سخن مرکز رشد.....	۱۵
مقدمه.....	۱۹
گفتار اول: الگوی ترجیحات سیاسی در جامعه ایران.....	۲۵
مقدمه.....	۲۵
۱. چهار لایه کلان در الگوی ترجیحات سیاسی.....	۲۶
۱-۱. تغییرات زیست جهان.....	۲۶
۱-۱-۱. اندیویژوالیزم و آثار آن بر جامعه ایران.....	۲۸
۱-۱-۲. نگاه این جهانی.....	۳۲
۱-۱-۳. نفع‌گرایی.....	۳۲
۱-۱-۴. رشد عقل ابزاری.....	۳۳
۱-۱-۵. روابط کاپیتالیستی (سرمایه‌داری) در جامعه ایران.....	۳۴
۲. جامعه‌شناسی اعتراض.....	۴۰
۱-۲. گفتمان‌ها و جامعه‌شناسی اعتراض.....	۴۲
۲-۲. جامعه اعتراضی در انتخابات ایرانی.....	۴۵
۳-۲. برخی تأملات تاریخی و تحلیلی درباره جامعه‌شناسی اعتراض.....	۴۷

۴۸	۲-۴. منطق ارسطویی جامعه سیاسی ایران
۴۹	۲-۵. وضعیت پارادوکسیکال جمهوری اسلامی
۵۰	۳. تکثر در جامعه ایران
۵۲	۴. سیاست ورزی
۵۵	گفتار دوم: آینده گفتمان در ایران
۵۵	مقدمه
۵۶	۱. تعریف گفتمان
۵۸	۲. انواع تغییرات گفتمانی
۶۰	۳. آینده گفتمان‌ها
۶۹	گفتار سوم: انتخابات یازدهم ریاست جمهوری؛ کیفیت سیاست ورزی
۶۹	مقدمه
۷۱	۱. محدودیت‌ها و مزیت‌های آقای روحانی
۷۲	۲. محدودیت‌ها و مزیت‌های رقبای آقای روحانی
۷۴	۳. سیاست ورزی آقای روحانی
۷۵	۴. سیاست ورزی رقبای آقای روحانی
۸۱	۵. سیاست ورزی جریان حامی روحانی
۸۳	گفتار چهارم: انتخابات دهم مجلس شورای اسلامی؛ چرایی شکست اصولگرایان
۸۳	مقدمه
۸۵	۱. تغییر زیست جهان جامعه
۸۷	۲. ساخت سیاسی جامعه ایران
۸۸	۳. سیاست ورزی
۹۳	گفتار پنجم: انتخابات دوازدهم ریاست جمهوری؛ نبرد گفتمان‌ها
۹۳	مقدمه
۹۵	۱. تحلیل سبد رأی روحانی
۹۹	۲. تحلیل سبد رأی آقای رئیسی
۱۰۱	۳. تحلیل رقبای روحانی

گفتار ششم: انتخابات یازدهم مجلس شورای اسلامی؛ رقابت ایده‌های حکمرانی. ۱۰۷	
مقدمه	۱۰۷
۱. ابهام منفی در جامعه	۱۰۸
۱-۱. عوامل ابهام منفی	۱۱۰
۲. لزوم ایجاد صورت‌بندی جدید در انتخابات	۱۱۳
۳. ایده‌های حکمرانی، راهی برای ایجاد صورت‌بندی جدید	۱۱۴
۴. شفافیت؛ ایده‌ای برای حکمرانی	۱۱۵
۵. لزوم وجود ایده‌های عملی‌تر	۱۱۶
۶. دموکراسی‌سازی و سطوح آن	۱۱۷
۷. مسائل اقتصادی؛ عامل تحکیم دموکراسی	۱۱۸
۸. انسداد مضاعف اصلاح‌طلبان با حمایت از روحانی در انتخابات ۱۳۹۶	۱۱۹
۹. پنج عنصر اصلی در بازتولید جریان‌ات سیاسی	۱۱۹
۱۰. نمایشی شدن سیاست	۱۲۳
گفتار هفتم: منطق انتخابات ۱۴۰۰؛ جانشینی یا هم‌نشینی؟	۱۲۵
مقدمه	۱۲۵
۱. مهم‌ترین مؤلفه‌های ساختاری در انتخابات ۱۴۰۰	۱۲۵
۱-۱. گفتمان	۱۲۵
۱-۱-۱. انتخابات ۱۴۰۰؛ تداوم چرخش گفتمانی یا پیمودن مسیری تازه	۱۲۷
۱-۱-۲. ظرفیت‌سنجی منطق هم‌نشینی و جانشینی در انتخابات ۱۴۰۰	۱۲۸
۱-۱-۳. استعداد گروه‌های سیاسی در به‌کارگیری منطق هم‌نشینی	۱۲۹
۱-۲. آرایش نیروهای سیاسی	۱۳۰
۱-۳. نقش مشارکت مردم	۱۳۲
۱-۴. شکاف‌های اجتماعی	۱۳۳
۱-۵. نقش‌آفرینی گروه‌های سیاسی	۱۳۳
۲. پیش‌بینی‌ای از موفقیت‌کنش‌گران مختلف	۱۳۴
۳. نزاع‌های انتخابات ۱۴۰۰	۱۳۵

۱۳۷	گفتار هشتم: انتخابات سیزدهم ریاست جمهوری؛ مسئله مشارکت
۱۳۷	مقدمه
۱۴۰	۱. شورای نگهبان و مسئله مشارکت
۱۴۱	۲. مؤلفه‌های مشارکت‌ساز یا مشارکت‌سوز در انتخابات
۱۴۲	۳. علل مشارکت حدود ۵۰ درصدی مردم در انتخابات
۱۴۵	۴. تحلیل آراء باطله
۱۴۶	۵. علل آراء پایین همتی (کمتر از آراء باطله)
۱۴۸	۶. رأی شرمگین
۱۴۹	۷. تحلیل رأی ۱۸ میلیونی رئیسی
۱۵۱	۸. اولویت‌های دولت آقای رئیسی
۱۵۳	راهنمای واژگان
۱۵۹	منابع و مآخذ
۱۶۱	نمایه

فهرست جداول

جدول (۱-۱): آمار واجدین شرایط و تعداد آراء نامزدهای دوازدهمین دوره انتخابات ریاست جمهوری در شهرستان تهران	۳۶
جدول (۲-۱): آمار واجدین شرایط و تعداد آراء نامزدهای دوازدهمین دوره انتخابات ریاست جمهوری در شهرستان پاکدشت	۳۷
جدول (۳-۱): آمار واجدین شرایط و تعداد آراء نامزدهای دوازدهمین دوره انتخابات ریاست جمهوری در شهرستان پیشوا	۳۷
جدول (۴-۱): آمار واجدین شرایط و تعداد آراء نامزدهای دوازدهمین دوره انتخابات ریاست جمهوری در شهرستان ورامین	۳۸
جدول (۵-۱): آمار واجدین شرایط و تعداد آراء نامزدهای دوازدهمین دوره انتخابات ریاست جمهوری در شهرستان قرچک	۳۸
جدول (۶-۱): آمار واجدین شرایط و تعداد آراء نامزدهای دوازدهمین دوره انتخابات ریاست جمهوری در شهرستان شمیرانات	۳۹

فهرست مطالب • ۱۱

جدول (۱-۵): نظرسنجی از رأی دهندگان در خصوص نامزد پیروز انتخابات ریاست	
جمهوری دوازدهم در بازه ۱۴ تا ۲۸ اردیبهشت	۹۶
جدول (۲-۵): آرای اخذ شده از نامزدهای انتخابات ریاست جمهوری دوازدهم در استان	
تهران	۱۰۰

فهرست نمودارها و تصاویر

تصویر (۱-۲): ویژگی‌های مهم گفتمان‌ها	۵۷
تصویر (۲-۲): تعریف گفتمان	۵۷
تصویر (۳-۲): تغییرات گفتمان شامل تغییرات درون‌گفتمانی و برون‌گفتمانی	۶۰
تصویر (۴-۲): شرایط لازم برای غلبه یک گفتمان بر گفتمان مستقر	۶۲
تصویر (۵-۲): مدلول‌های متکثر و متخالف آزادی در سال ۱۳۷۶	۶۲
تصویر (۶-۲): مدلول‌های متکثر عدالت در سال ۱۳۸۴	۶۳
تصویر (۷-۲): دلایل شکست گفتمان پیشرفت در سال ۱۳۹۲	۶۵
نمودار (۱-۵): تغییرات آرای نامزدهای انتخابات ریاست جمهوری دوازدهم در بازه ۱۴ تا ۲۸	
اردیبهشت ۱۳۹۶	۹۸

«بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ»
وَلَقَدْ آتَيْنَا دَاوُودَ وَسُلَيْمَانَ عِلْمًا وَقَالَا الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي
فَضَّلَنَا عَلَى كَثِيرٍ مِمَّنْ عِبَادِهِ الْمُؤْمِنِينَ
(قرآن کریم. سوره مبارکه النمل/ آیه شریفه ۱۵)

سخن ناشر



رسالت و مأموریت دانشگاه امام صادق (علیه السلام) «تولید علوم انسانی اسلامی» و «تربیت نیروی درجه یک برای نظام» (که در راهبردهای ابلاغی مقام معظم رهبری مدظله تعیین شده) است. اثرپذیری علوم انسانی از مبانی معرفتی و نقش معارف اسلامی در تحول علوم انسانی، دانشگاه را بر آن داشت که به طراحی نو و بازمهندسی نظام آموزشی و پژوهشی جهت پاسخ‌گویی به نیازهای نوظهور انقلاب، نظام اسلامی و تربیت اسلامی به عنوان یک اصل محوری برای تحقق مأموریت خویش بپردازد و بر این باور است که علم توأم با تزکیه نفس می‌تواند هویت جامعه را در مسیر تعالی و رشد قرار دهد.

از این حیث «تربیت» را می‌توان مقوله‌ای محوری دانست که وظایف و کارویژه‌های دانشگاه، در چارچوب آن معنا می‌یابد؛ زیرا که «علم» بدون «تزکیه» بیش از آنکه ابزاری در مسیر تعالی و اصلاح امور جامعه باشد، عاملی مشکل‌ساز خواهد بود که سازمان و هویت جامعه را متاثر و دگرگون می‌سازد.

از سوی دیگر «سیاست‌ها» تابع اصول و مبادی علمی هستند و نمی‌توان منکر این تجربه تاریخی شد که استواری و کارآمدی سیاست‌ها در گرو انجام پژوهش‌های علمی و بهره‌مندی از نتایج آن‌هاست. از این منظر پیشگامان

عرصه علم و پژوهش، راهبران اصلی جریان‌های فکری و اجرایی به حساب می‌آیند و نمی‌توان آینده درخشانی را بدون توانایی‌های علمی - پژوهشی رقم زد و سخن از «مرجعیت علمی»، در واقع پاسخ‌گویی به این نیاز بنیادین است.

دانشگاه امام صادق (علیه السلام) در واقع یک الگوی عملی برای تحقق ایده دانشگاه اسلامی در شرایط جهان معاصر است. الگویی که ثمرات نیکویی آن در فضای ملی و بین‌المللی داشته است. طبعاً آنچه حاصل آمده، محصول نیت خالصانه و جهاد علمی مستمر مجموعه بنیان‌گذاران و دانش‌آموختگان این نهاد است که امید می‌رود با اتکاء به تأییدات الهی و تلاش همه‌جانبه اساتید، دانشجویان و مدیران دانشگاه، بتواند به مرجعی تمام‌عیار در گستره جهانی تبدیل گردد.

معاونت پژوهشی دانشگاه امام صادق (علیه السلام) با توجه به شرایط، امکانات و نیازمندی جامعه در مقطع کنونی با طرحی جامع نسبت به معرفی دستاوردهای پژوهشی دانشگاه، ارزیابی سازمانی - کارکردی آن‌ها و بالاخره تحلیل شرایط آتی اقدام نموده که نتایج این پژوهش‌ها در قالب کتاب، گزارش، نشریات علمی و... تقدیم علاقه‌مندان می‌گردد. هدف از این اقدام - ضمن قدردانی از تلاش خالصانه تمام کسانی که با آرمان و اندیشه‌ای بزرگ و ادعایی اندک در این راه گام نهادند - درک کاستی‌ها و اصلاح آن‌ها است تا بدین وسیله زمینه پرورش نسل جوان و علاقه‌مند به طی این طریق نیز فراهم گردد؛ هدفی بزرگ که در نهایت مرجعیت مکتب علمی امام صادق (علیه السلام) را در گستره بین‌المللی به همراه خواهد داشت. (ان شاء الله)

وَلِلَّهِ الْحَمْدُ

معاونت پژوهشی دانشگاه

سخن مرکز رشد



بیش از سی سال از تجربه دانشگاه امام صادق (علیه السلام) می‌گذرد. این دانشگاه در اولین سال‌های پس از پیروزی انقلاب اسلامی و در پاسخ به نیازهای گریزناپذیر این انقلاب، به همت و مساعی بی‌دریغ مرحوم حضرت آیت‌الله مهدوی‌کنی (علیه السلام) تأسیس شد. اسلامیت نظامی که به‌گونه‌ای اسلامی تشکیل شده است، متوقف بر داشتن برنامه‌ای برآمده از اسلام و مجریان و مسئولانی آگاه به مبانی اسلامی است و بدون این دو امر، حکومت اسلامی به مرور از درون تهی شده و به سوی حکومتی که صرفاً ظواهری اسلامی دارد، حرکت خواهد کرد. بیشترین چیزی که در سال‌های اول از این دانشگاه انتظار می‌رفت، تعلیم و تربیت دانش‌آموختگان آشنا و مؤمن به معارف دین مبین اسلام و همچنین آگاه به علوم انسانی و اجتماعی روز دنیا بود. در سه دهه گذشته، دانش‌آموختگان دانشگاه امام صادق (علیه السلام) با توشه‌ای که از خرمن عالم اخلاق، فقیه و اصولی کم‌نظیر، مرحوم حضرت آیت‌الله مهدوی‌کنی (علیه السلام) برچیده بودند و با تسلطی که بر مبانی اسلامی و علوم اجتماعی یافته بودند،

در بخش‌های مختلف کشور مشغول به خدمت شدند و سعی نمودند تا حدی نیازهای انقلاب و ایران اسلامی را برآورده کنند.

با گذشت زمان و تعمیق و تفصیل نیازهای انقلاب اسلامی، از سویی شدت نیاز به نیروی انسانی قدری کاهش یافت و از سوی دیگر، نیاز به تولید علوم انسانی و اجتماعی متناسب با تعالیم و آموزه‌های قرآن و سنت، شدت گرفت. مرحوم حضرت آیت‌الله مهدوی‌کنی (ره) که در سیر علمی - عملی و مدیریتی خود، توجه به «نیازهای روز» جامعه اسلامی را سرلوحه مساعی خود قرار داده بودند، در سال‌های اخیر و به‌ویژه پس از دیدار دانشجویان و اساتید دانشگاه امام صادق (علیه السلام) با رهبر معظم انقلاب وزن و اهمیت بیشتری را به موضوع تولید علم و مرجعیت علمی اختصاص دادند.

آنان که دانشگاه امام صادق (علیه السلام) و دانش‌آموختگان آن را می‌شناسند، به خوبی می‌دانند که ظرفیت تربیتی و علمی این نهاد برآمده از انقلاب اسلامی بسیار بیش از دستاوردهای موجود آن است. دانشگاه امام صادق (علیه السلام) در بین دانش‌آموختگان خود، افرادی مستعد و توانمند برای پیگیری و پیشبرد مسیر طولانی و سخت علمی را تربیت می‌کند، اما این افراد پس از دانش‌آموختگی، مسیر و جایگاهی را برای پیگیری دغدغه‌ها و به ثمر نشان دادن همت‌های خود نمی‌یابند. با اینکه تعداد زیادی از این دانش‌آموختگان کوشای دانشگاه، سال‌های تحصیل را در فهم علوم اسلامی و تتبع در حوزه‌های تخصصی علوم اجتماعی طی می‌کنند و در پایان نامه‌های پژوهشی خود ظرفیت شخصیتی و فکری خود را برای ادامه این مسیر به اثبات می‌رسانند، با مسیرها و سازمان‌ها - اعم از علمی یا اجرایی - مواجه می‌شوند که با دغدغه‌هایی به نسبت بسیار سطحی‌تر، پاسخ‌گویی به نیازهایی دیگر را بر آن‌ها تحمیل می‌نماید.

به نظر می‌رسد همان‌گونه که پاسخ‌گویی به نیازهای انقلاب اسلامی پس از طی چند دهه، چندان از طریق الگوهای دانشگاهی و حوزوی مرسوم، اثربخش و موفق نبود و مرحوم حضرت آیت‌الله مهدوی کنی (ره) عمر خود را در ایجاد الگویی جدید صرف کرد؛ پیگیری و ثمردهی نیاز به تولید علم و مرجعیت علمی نیز با تبعیت و تقلید از الگوهای قدیمی و مرسوم پژوهشی ممکن نباشد. از سویی دانش‌آموختگان دانشگاه برای تمرکز و تأمل بر نیازهای علمی کشور و تولید دانش و نرم‌افزارهای مطلوب، راهی زمان‌بر، طولانی و پُریچ‌وخم را پیش رو دارند و از سوی دیگر، نظام اجرایی و علمی کشور، که سال‌ها از نرم‌افزارهای موجود و مرسوم غربی کپی برداری کرده است، به آماده‌خوری، هزینه نکردن و دم‌غنیمت‌شماری خو گرفته است. از یک طرف برای تولیدات و محصولات علوم انسانی - اسلامی دانش‌آموختگان دانشگاه، تقاضایی وجود ندارد و از طرف دیگر، برای نیازهای پیچیده و فوری کشور، عرضه‌ای موجود نیست.

همین دغدغه، تنی چند از فرزندان مرحوم حضرت آیت‌الله مهدوی کنی (ره) را بر آن داشته است تا با طراحی مرکزی - موسوم به مرکز رشد - گامی در مسیر حلّ این چالش بردارند. مرکز رشد هم برای حلّ معضلات پیش‌گفته و هم به منظور ابتناء بر اندیشه‌های تربیتی و مدیریتی اسلام، لازم بوده است تا الگوهای جدید سازمانی و تعامل علمی و تربیتی را طراحی و اجرا نماید که این مجمل، مجال بسط و تشریح آن نیست. مرکز رشد دانشگاه امام صادق (علیه السلام) برای پاسخ‌گویی به نیازهای پیش‌گفته در علوم انسانی و اجتماعی، راهی جز تربیت، حفظ و معرفی «نظریه‌پردازان» علوم انسانی و اجتماعی اسلامی سراغ ندارد و این تربیت، حفظ و معرفی را چیزی بسیار بالاتر و متعالی‌تر از حمایت‌ها یا استخدام‌ها یا پروژه‌های پژوهشی مرسوم می‌شمارد.

مقدمه



در یک دسته‌بندی کلان هر نوع تأمل و تفکر سیاسی را می‌توان به سه حوزه فلسفه و اندیشه سیاسی، نظریه سیاسی و سیاست‌گذاری تقسیم‌بندی کرد. اندیشه سیاسی دایره‌مدار بحث‌های هنجاری سیاست است و از امر مطلوب سیاسی و جامعه سیاسی آن چنان‌که باید باشد سخن می‌گوید. نظریه سیاسی با تأکید بیشتر بر جامعه‌شناسی سیاسی که به تبیین و تفسیر امر سیاسی و جامعه سیاسی آن چنانی که هست می‌پردازد و سیاست‌گذاری و سیاست‌گذاری عمومی به دنبال بازآفرینی و بازسازی روندها، سیاست‌ها، نهادها و قواعد سیاسی برای نزدیک کردن وضع موجود امر و جامعه سیاسی به وضع مطلوب است. با نگاهی کلان به سه حوزه فوق، می‌توان گفت مسئله مردم‌سالاری، مسئله درجه اول این رهیافت‌ها در تفکر سیاسی است.

در حوزه اندیشه و فلسفه سیاسی، مردم‌سالاری آن چنان قبول عام یافته است که به نوعی بین هر نوع اندیشه سیاسی با مردم‌سالاری نوعی مساوت و همگرایی وجود دارد. تنوع رهیافت‌ها در اندیشه سیاسی معطوف به تنوع در انواع دموکراسی‌هاست و اندیشه سیاسی بیرون از مردم‌سالاری از دایره توجه و

تأمل عمومی و همگانی دانشوران این حوزه خارج شده است. در حوزه جامعه‌شناسی سیاسی، دموکراتیزاسیون و بحث‌های گذار به مردم‌سالاری و تحکیم و تثبیت آن و نیز تشدید مردم‌سالاری، یک گفتمان عمده است. بالتبع در این حوزه بحث موانع اجتماعی پیشبرد مردم‌سالاری و پیشران‌های تعیین‌بخش آن مورد توجه قرار می‌گیرد.

در سطح سیاست‌گذاری و سیاست‌گذاری عمومی نیز دو سطح فرایند مردم‌سالاری و فرآورده مردم‌سالاری جهت بازسازی و بهبود و نوسازی مورد توجه است. در اینجا می‌توان این پرسش را مطرح کرد که چه تغییراتی در سازوکارهای نهادی، قانونی و رویه‌ای مردم‌سالاری می‌بایست ایجاد کنیم که مردم‌سالاری به اندیشه تعیین‌کنندگی مردم در اداره امور جمعی و عمومی نزدیک‌تر شود؟ یا چه اصلاحاتی در پیشبرد مردم‌سالاری باید مورد توجه قرار گیرد که علاوه بر فرایند، فرآورده مردم‌سالاری پربارتر و به‌کارایی و کارآمدی امور منجر شود؟

در نتیجه می‌توان گفت مردم‌سالاری در هسته هر نوع تأمل سیاسی در سطوح مختلف با رهیافت‌های گوناگون قرار دارد. در بین مؤلفه‌های مردم‌سالاری، مشارکت سیاسی یک مؤلفه مشترک در همه رهیافت‌ها به خصوص در سنت جمهوری خواهی است که آزادی را هم‌ردیف مشارکت سیاسی و مشارکت سیاسی را در حکم خیر برین برای شهروندان جامعه سیاسی تلقی می‌کند.

در بین انواع و اقسام مشارکت سیاسی مانند عضویت در احزاب، حضور در جنبش‌های اجتماعی، حضور در سندیکاها و اتحادیه‌ها و تشکل‌های مدنی و... انتخابات، رایج‌ترین و عمومی‌ترین نوع مشارکت سیاسی و به‌زعم برخی به دلیل تأثیر برگردش و جابه‌جایی قدرت، مؤثرترین نوع مشارکت سیاسی در جوامع مردم‌سالار است. طبعاً با توجه به اهمیت انتخابات، نهاد

انتخابات و تثبیت آن به عنوان یک سازوکار گردش مسالمت‌آمیز قدرت، از قوی‌ترین نمادها و نشانه‌های تأثیرگذاری شهروندان یک جامعه بر حال و آینده آن‌هاست.

علاوه بر این، انتخابات به عنوان یک ظرفیت فراگیر اجتماعی که گسترده‌ترین نظرخواهی از مردم در آن ظهور و بروز می‌کند، می‌تواند باز نمود تغییرات اجتماعی یک جامعه را ظاهر کند و هسته علایق و افکار جامعه را تا حد قابل توجهی در پوسته برگه‌های آراء آشکار کند.

انتخابات همچنین به عنوان ایستگاه تغییر در کارگزاران، سیاست‌ها و راهبردهای اداره جامعه، نقش مؤثری در شکل دادن به روندها و مسیرهای آینده حرکت جوامع در بازه‌های بعضاً میان مدت و حتی بلندمدت دارد و از این نظر نیز مقوله مهمی است؛ باین حال همچنان در ایران فاقد یک سنت پژوهشی و مطالعاتی درباره نهاد انتخابات از زوایای گوناگون هستیم.

طرح اصلاح قانون انتخابات ریاست جمهوری در مجلس یازدهم نشان می‌دهد که چه فاصله روشنی بین این طرح و هدف هنجاری و هدف اثربخشی که از نهاد انتخابات انتظار داریم، وجود دارد؛ بنابراین با هدف بازخوانی انتخابات در ایران به مثابه یک سنت مطالعاتی و پژوهشی، مجموعه نوشتارها و گفتارهایی در این کتاب طرح و تدوین و تلاش شده است از رهگذر این مباحث راهی برای مطالعه منضبط و روشمند انتخابات در آینده باز کند.

این کتاب شامل هشت گفتار است؛ این گفتارها در خصوص گونه‌شناسی رفتار رأی‌دهی ایرانیان در انتخابات ریاست جمهوری و مجلس شورای اسلامی است.

در گفتار اول در نشست تخصصی هسته بازاریابی سیاسی مرکز رشد دانشگاه امام صادق (علیه السلام) مورخ ۹۶/۰۲/۱۳، الگوی ترجیحات سیاسی جامعه

ایران با تکیه بر چهار لایه کلان (۱) تغییرات زیست جهان، (۲) جامعه‌شناسی اعتراض، (۳) تکثر در جامعه ایران و (۴) سیاست‌ورزی بررسی شده است، تا این‌گونه ضمن بررسی تمایزات پژوهش در خصوص ترجیحات سیاسی ایرانیان، گریزی نیز به گفتمان‌های سیاسی مختلف در جامعه ایران زده شود. در گفتار دوم (گفتگو با خبرگزاری تسنیم، ۹۳/۱۲/۰۲)، با عنوان «آینده گفتمان در ایران»، تلاش شده تا ضمن ارائه تعریفی از گفتمان، انواع تغییرات گفتمانی در جامعه ایران مورد بررسی قرار گیرد و به این ترتیب مبنایی برای بررسی آینده گفتمان‌ها در ایران نیز مهیا گردد.

در گفتار سوم (گفتگو با سایت برهان، ۹۲/۰۴/۱۰)، انتخابات ریاست جمهوری یازدهم به عنوان کارزاری برای بررسی گفتمان‌های رقیب و گونه‌شناسی رفتار رأی‌دهندگان انتخاب شده است. در این گفتار تلاش شده است تا با بررسی گفتمان آقای روحانی به عنوان نامزد پیروز و سایر گفتمان‌های رقیب، سیاست‌ورزی ایشان، حامیان و رقبا به تفکیک بیان شود، تا به این ترتیب، تحلیلی از وجوه سیاست‌ورزانه رفتار انتخاباتی در این انتخابات بیان شود.

در گفتار چهارم (گفتگو با خبرگزاری فارس، ۹۵/۰۲/۲۰)، نویسندگان به سراغ تحلیل آراء دهمین دوره مجلس شورای اسلامی رفتند و سعی نمودند تا با تکیه بر (۱) تغییر زیست جهان جامعه، (۲) ساخت سیاسی جامعه ایران و (۳) سیاست‌ورزی‌های دخیل در بازار سیاسی، به ارائه خوانش درستی از چرایی رفتار انتخاباتی در انتخابات مجلس دهم شورای اسلامی بپردازند.

در گفتار پنجم (گفتگو با خبرگزاری تسنیم، ۹۶/۰۴/۱۷) و گفتار ششم (گفتگو با خبرگزاری تسنیم، ۹۸/۰۵/۲۳)، به بررسی رفتار انتخاباتی در انتخابات دوازدهمین دوره ریاست جمهوری و یازدهمین دوره مجلس شورای اسلامی پرداخته شد. در

خلال گفتار ششم تلاش شد تا با بیان دیدگاه «رقابت ایده‌های حکمرانی»، طرح نوبی برای رفتار انتخاباتی عقلانی در ایران مطرح گردد.

نهایتاً در گفتار هفتم به صورت پیشینی (گفت‌وگو با روزنامه فرهیختگان، ۹۹/۰۵/۲۲) و گفتار هشتم به صورت پسینی (گفتگو با هفته‌نامه صبح صادق، ۱۴۰۰/۰۴/۰۶) با مسئله انتخابات سیزدهمین دوره ریاست جمهوری مواجهه شد تا ضمن بیان دلایلی در خصوص منطق جانشینی یا هم‌نشینی در انتخابات ۱۴۰۰، تحلیلی در خصوص رأی ۱۸ میلیونی سید ابراهیم رئیسی ارائه گردد.

همچنین این کتاب شامل یک بخش راهنمای واژگان است که در این بخش مهم‌ترین واژگان به کاررفته در ادبیات نویسندگان به زبانی ساده و علمی توضیح داده شده است.

با تشکر از هسته بازاریابی سیاسی مرکز رشد دانشگاه امام صادق (علیه‌السلام) به ویژه آقایان حسن وکیل‌زاده و سعید نادری اصل که زحمت تدوین و تنظیم این گفتارها را بر عهده گرفتند.

امید آن داریم مطالعه کتاب حاضر برای خوانندگان عزیز در حوزه‌های تحلیلی - پژوهشی و اجرایی درک عمیق‌تری از شناخت رفتار انتخاباتی جامعه ایرانی فراهم آورد. پیشاپیش از همه صاحب‌نظران و اندیشمندان ارجمندی که با راهنمایی‌ها، انتقادات و پیشنهادهای خود ما را یاری می‌کنند صمیمانه سپاسگزاری می‌نماییم.

پرویز امینی

عضو هیئت علمی دانشگاه شاهد

(گفتار اول)

الگوی ترجیحات سیاسی در جامعه ایران



مقدمه

انتخابات در یک نسبتی با مقوله بازاریابی است و از این رو دانشی تحت عنوان بازاریابی سیاسی در جوامعی که انتخابات روال مند و نهادینه وجود دارد، تکوین و رشد و گسترش پیدا کرده است. مسئله، عرضه و تقاضا (مبادله) است (کوالینا و دیگران، ۱۳۹۳: ۵۴). به نوعی کانون، نهادی به نام بازار است و برخی بر اساس همین سازوکار عرضه و تقاضا، بازار را نهاد خودجوش و خودتنظیم گر می دانند که برای کارایی و اثربخشی نیاز به دخالت جایی یا کسی ندارند. حال اگر این بحث بازاریابی را بر عرصه سیاست اعمال کنیم، می توان این سؤال را مطرح نمود که تقاضاهای سیاسی در ایران چگونه شکل می گیرد و در زمینه انتخابات، الگوی رأی دادن در جامعه ایران چگونه است؟ در این گفتار به دنبال این هستیم که بر اساس جامعه شناسی انتخابات در جمهوری اسلامی ایران، به پاسخ این سؤال ها بپردازیم.

۱. چهار لایه کلان در الگوی ترجیحات سیاسی

به نظر چهار لایه کلان و مهم در الگوی ترجیحات سیاسی وجود دارد:

(۱) تغییرات زیست جهان^۱ (تغییراتی در زیست جهان جامعه ایران شکل گرفته و در حال تغییر مبنای جامعه است. به همین خاطر فراتر از نمودها و نمادها، مبنای زندگی اجتماعی، روابط و مناسبات اجتماعی در حال تحول است؛ حتی نمودها و نمادهای گذشته هم با تحلیل پیشینی قابل ارزیابی نیست؛ مثلاً بحث ازدواج و طلاق که در جامعه امروز شاهد آن هستیم، غیر از آن طلاق و ازدواج گذشته است).

(۲) جامعه‌شناسی اعتراض

(۳) تکثر در جامعه ایران (تکثر نیرومندی در حوزه اجتماعی ایران وجود دارد).

(۴) سیاست‌ورزی (بخشی از آنچه که به آراء و انتخاب شکل می‌دهد،

نتیجه سیاست‌ورزی است).

اگر ما تقسیم‌بندی کارگزار و ساختار را قبول داشته باشیم، سه مورد اول ساختار و مورد چهارم در حکم کارگزار است. پس خروجی اینکه چگونه آراء و فضای انتخابات شکل می‌گیرد، نتیجه ساختار و کارگزار است. به نسبتی که شرایط ساختاری به ما مزیت و فرصت بدهد و به اندازه‌ای که عمل سیاسی ما از قوت و کیفیت بیشتری برخوردار باشد، خروجی ما بهتر خواهد بود.

۱-۱. تغییرات زیست جهان

زیست جهان جامعه ما در حال تغییر است. زیست جهان^۲ به مجموعه‌ای از

1. lifeworld

۲. زیست جهان (Lifeworld) یا جهان زندگی مفهوم کلی و پیچیده‌ای است که یورگن هابرماس برای تشریح کنش ارتباطی افراد در سه بعد ذهنی، عینی و اجتماعی مطرح کرد. حوزه‌ای فرضی که در عین حال مرزهای آن تا حدودی مشخص است و شامل رفتارهای کنشگران در سطوح فرد با فرد،

باورها، ارزش‌ها، نمادها و نمودها گفته می‌شود (سیدمن، ۱۳۸۸: ۱۷۶) که در واقع به کنش اجتماعی ما «معنا» می‌دهد، روابط جمعی ما را «تفاهم‌پذیر» و به علایق ما «جهت» می‌دهد. ما ذیل این زیست جهان زندگی کرده و از آن بیرون نمی‌رویم؛ بنابراین وقتی به موضوعی برمی‌خوریم بر اساس زیست جهانی که داریم حتی به صورت تأمل نشده، آن موضوع را انجام می‌دهیم، زیست جهان در واقع به کنش‌های روزمره ما جهت می‌دهد (بشریه، ۱۳۷۶: ۲۲۴)؛ مثلاً وقتی به مراسم ختم می‌رویم پیراهن مشکی می‌پوشیم. در این حالت کسی از ما نمی‌پرسد که چرا مشکی پوشیدیم یا خودمان تأمل نمی‌کنیم که چرا مشکی پوشیدیم و این سؤال پیش نمی‌آید که آیا مشکی بپوشیم یا قرمز؛ این بخشی از زیست جهان ما شده است. در مراسم ختم و ترحیم، صلوات و ذکر می‌گویند؛ اما برخی هنرمندان در مراسم ختم برای اموات خود خواستند برخلاف این سنت متعارف، کف بزنند. در این مورد شما تأمل می‌کنید؛ یعنی این هنوز جزئی از زیست جهان شما نشده است.

بنابراین تغییر در زیست جهان، یعنی تغییر آن عالمی که مناسبات، روابط و کنش‌های ما را معنادار می‌کند و توجیه می‌کند که مطلبی را قبول یا رد کنیم. زیست جهان ما ذیل عنوان «طرح-پروژه مُدرنیزاسیون» در حال تغییر است. جامعه ما در حال تجربه طرح-پروژه مُدرنیزاسیون است که پیش از انقلاب آغاز شده و در دو سه دهه گذشته روند آن خیلی پرشتاب شده است؛ در واقع سطح چسبندگی زندگی اجتماعی ما به نهادهای مدرن در حال افزایش است و آن نهادهای مدرن، بدون اقتضا از لحاظ معرفتی و

فرد با جامعه و فرد به تنهایی می‌شود. از نظر وی زیست جهان الگوهایی قابل تفسیر از فرهنگ ارائه می‌دهد که منظم و سازمان یافته و قابل انتقال است. در واقع زیست جهان مجموعه‌ای از کنش‌های ارتباطی متقابل و تجربه‌هایی اساساً قابل درک و ملموس هستند که خود زمینه‌ساز و از مقدمات تجربیات زندگی به حساب می‌آیند (مضمون زیست جهان، مهدوی و مبارکی به نقل از ترنر، ۱۳۸۵: ۱۲).

ارزشی نیستند؛ بنابراین بدون اینکه اندیشه و تأملی در این خصوص شده باشد، در حال سازمان‌دهی معرفت و ارزش‌های ما هستند. برای مثال تعلیم و تربیت در جامعه، گسترش خانه سالمندان، ساختارهای ارتباطی و غیره نشانه‌های این تغییرات هستند. گویا ما دیگر بیرون نهادهای مدرن نمی‌توانیم زندگی کنیم. رسانه‌های جدید تبدیل به اصل نظام‌های ارتباطی شده و هرچقدر گسترش پیدا می‌کنند، ما را از آن نظام ارتباطاتی گذشته خود دور می‌کنند؛ مثلاً در دو دهه قبل، ایام نوروز مٔکی به دید و بازدید بود که از اول عید تا آخر طول می‌کشید و به دیدن دورترین اقوام می‌رفتیم؛ اما الآن اولویت اول در ایام نوروز، سفر است؛ یعنی آن نظام ارتباطاتی ما به‌طورکلی تغییر کرده؛ چون زیست‌جهان ما در حال تغییر است.

۱-۱-۱. اندیویژوالیزم و آثار آن بر جامعه ایران

اولین عنصر اصلی تغییر یافته در زیست‌جهان جامعه ما اندیویژوالیزم^۱ است. اندیویژوالیزم در مرکز ثقل مدرنیته است؛ بنابراین این تعریفی که از مدرنیته به‌عنوان اومانیزم^۲ می‌کنیم، یک ایرادی دارد. اومانیزم می‌تواند صورت اجتماعی نیز داشته باشد درحالی‌که مسئله اصلی مدرنیته، اندیویژوالیزم است. به این ترتیب ترجمه اندیویژوالیزم به فردگرایی، به نظر ترجمه‌رسانی نیست. فردگرایی در سابقه ذهنی ما و سابقه اجتماعی ما یک امر روان‌شناختی و اجتماعی است؛ یعنی پُر قدرت خودش را به ما نشان نمی‌دهد. درحالی‌که اندیویژوالیزم، اُنتولوژیک^۳ و هستی‌شناسانه است. در اندیویژوالیزم، فرد یعنی تنها چیز اصیل، تنها چیز معتبر و تنها چیزی که معیار ماست. همه چیز غیر از فرد، اعتباری هستند؛ جامعه، خانواده،

1. Individualism
2. Humanism
3. Ontologic

همسر، دولت، پدر و غیره اعتباری هستند. در جهان مدرن به دلیل اینکه فرد اصیل است، خانواده موضوعیت ندارد. اگر با همسر خود مشکل داشته باشم، من نباید از آنچه هستم کوتاه بیایم، من نمی‌توانم تنازل کنم که زندگی ادامه پیدا کند؛ چون اصل و مبنا من هستم؛ لذا باید این زندگی را ترک کنم. تأثیر اندیویژوالیزم بر جامعه ایران بسیار جدی است. برخی سؤال می‌کنند که مگر فاشیسم و کمونیسم فرزند مدرنیته نبودند؟! چرا این‌ها زود ساقط شدند و لیبرالیسم حدود پانصد سال است که سرپا بوده و برخلاف پیش‌بینی که مارکس^۱ انجام داده بود (بشیریه، ۱۳۹۲: ۳۱)، حتی یک انقلاب علیه سرمایه‌داری اتفاق نیفتاده است؟! پاسخ این است که لیبرالیسم با جوهر مدرنیته سازگارتر و به آن نزدیک‌تر است؛ اما فاشیسم و کمونیسم فردگرایی را نفی می‌کردند.

اندیویژوالیزم، اُنتولوژیک است یعنی اینکه سه نوع مرجعیت غیر از فرد را نفی می‌کند؛ اول اینکه فرد آن‌چنان اصیل است که هر امر فراتر از فرد منتفی است؛ هیچ امری نمی‌تواند درباره «من» تصمیم بگیرد و قضاوت کند و درباره ارزش‌های من نظر بدهد. دوم اینکه هیچ امر و مرجعیت بیرون از «من» معتبر نیست؛ هرچه می‌خواهد باشد از دین و مذهب گرفته تا جامعه و دولت. سوم اینکه هیچ چیزی مقدم بر «من» معتبر نیست؛ به این معنا که اول آن باشد و بعد من باشم.

فهم نادرست و غیرکامل این مفاهیم، یکی از مشکلات ما در دانش سیاسی است. لیبرالیسم به آزادی ترجمه می‌شود درحالی‌که لیبرالیسم آزادی نیست؛ لیبرالیسم اندیویژوالیزم است. برای اینکه فرد اصیل است باید آزاد باشد. اگر فرد اصیل نباشد، چه دلیلی برای آزادی او وجود دارد؟! دولت باید

1. Karl Heinrich Marx

حداقلی باشد چون فرد اصیل است و برای ایجاد حداکثر آزادی فرد، باید دولت حداقلی باشد.

به این ترتیب، بحث قرارداد اجتماعی در اندیشه سیاسی این طور باید فهم شود که قرارداد اجتماعی یک فرض فلسفی است، نه یک امر تاریخی و جامعه‌شناختی که مردم در یک نقطه از تاریخ جمع شده باشند و قرارداد کرده باشند که حکومت تشکیل دهند. وقتی شما اندیویژوال شدید، برای تأسیس جامعه و حکومت هیچ راهی نیست جز اینکه قرارداد اجتماعی را فرض کنید. وقتی که فرد اصیل شد، جامعه چرا باید شکل بگیرد؟ چرا فرد باید تابع جامعه باشد؟ مگر اینکه بگوییم تک تک افراد اصیل، خودشان تصمیم گرفتند که به وسیله قرارداد اجتماعی این کار را انجام دهند.

پس یکی از پدیده‌های در حال شکل‌گیری در جامعه ما اندیویژوالیسم است. وقتی به روابط اجتماعی ایرانی‌ها نگاه می‌کنید، می‌توانید به راحتی فردگرایی را مشاهده کنید. وقتی سوار مترو می‌شوید، اولین صندلی که پُر می‌شود، صندلی کنار میله انتهایی است؛ زیرا می‌خواهد تا می‌تواند در معرض دیگری قرار نگیرد. در گذشته وقتی اتوبوس سوار می‌شدیم توصیه می‌کردند که یک هم‌صحبت خوب پیدا کنید که تا انتهای راه با او صحبت کنید؛ اما حالا می‌گویند طوری بشینید که کسی مزاحمتان نشود و در معرض گفتگو با شما قرار نگیرد.

رد پای اندیویژوالیسم را هر جا تعهد اجتماعی هست، می‌توان دید؛ هر جا که طرح - پروسه مُدرنیزاسیون قوی‌تر انجام شده و تعهد اجتماعی ضعیف‌تر شده است؛ مثلاً سنت ازدواج ضعیف شده و تمایل به ازدواج کم شده است؛ زیرا محصول و نتیجه ازدواج ضرورتاً تعهد به دیگری است. وقتی «من» فرد اصیل هستم چرا باید خودم را به دیگری متعهد کنم. خانه‌های مجردی

گسترش یافته است؛ چون اندیویژوالیزم دارد کار می‌کند. سرعت شکل‌گیری خانواده‌ها کند است و وقتی شکل می‌گیرد فروپاشی آن‌ها سریع است؛ چون فرد اصیل است و وقتی با طرف مقابل به اختلاف نظر برمی‌خورد، نمی‌خواهد در مقابل دیگری تنازل کند. طلاق‌های توافقی بسیار زیاد یکی از نشانه‌های گسترش اندیویژوالیزم است.

نسبتی که فرزندان با پدر و مادر خود دارند، صله رحم و روابط اجتماعی ضعیف شده و مثل گذشته نیست. وقتی اندیویژوالیزم رشد کند، تعهد اجتماعی را هرکجا که باشد، ضعیف می‌کند. چرا تعداد فرزندآوری کم شده است؟ چون وقتی فرزندان زیاد شوند باید «من» را وقف فرزندان کنم و نمی‌توانم به خودم برسم؛ درحالی‌که تمام افتخار مادر کلاسیک این بود که زندگی خود را وقف فرزندانش بکند. الآن همین یکی دو فرزند را در کلاس‌های مختلف ثبت‌نام می‌کنند، چون می‌خواهند بیشتر به خودشان برسند. به همین خاطر است که «جمال‌گرایی» در جامعه گسترش یافته است و مجلاتی روی پیشخوان قرار می‌گیرند که این‌گونه سبک زندگی را تبلیغ کنند. چرا والدین را به خانه سالمندان می‌برند؟ چون خود را اصل می‌دانند و می‌گویند چرا باید خودم را صرف آن‌ها کنم؟

خانه سالمندان دیگر وجهه منفی خود را از دست داده است و در این زیست‌جهان، استدلال علیه خانه سالمندان پاسخگو نیست؛ در نتیجه اندیویژوالیزم در حال تغییر زیست‌جهان ماست. این امر بسیار بنیادین است؛ اما در نظام سیاسی ما نسبت به این پدیده آگاهی لازم وجود ندارد و متأسفانه خود ما در حال توسعه آن هستیم.

۲-۱-۱. نگاه این جهانی

دومین پدیده‌ای که از فضای اندیشه مدرن در حال اجتماعی شدن است، نگاه این جهانی است. این نگاه در جامعه ما در حال رشد است. برخی سکولاریزم را به معنای این جهانی یا گیتی‌گرایی یا دنیوی شدن ترجمه کرده‌اند (ویلسون، ۱۳۹۷: ۱۲۴). در این بیان، نگاه این جهانی به معنای معطوف کردن همه زندگی به زندگی مادی و دنیوی و رها کردن مسئله مرگ و جهان پس از مرگ است که فراتر و گسترده‌تر از مفهوم رایج سکولاریزم است. معنی مسئله مرگ و جهان بعد از مرگ در اندیشه مدرن بلاموضوع شده یا بخشی از روند معنادار کردن جهان نیست؛ در حالی که این مسئله بر سبک زندگی ما تأثیرگذار است. در این زمان هرکجا که فضا مدرن‌تر باشد، امکان بازنمایی یاد مرگ برای ما سنگین‌تر است.

در نگاه دینی، خیلی از مسائل اجتماعی و اخلاقی مثل وفاداری، راست‌گویی، فداکاری و کار خیر را از طریق یاد مرگ و آخرت اداره می‌کنیم؛ اما امروزه با تضعیف نگاه آن جهانی، این مسائل نیز دچار چالش شده‌اند.

۳-۱-۱. نفع‌گرایی

نفع‌گرایی در جامعه ما در حال گسترش است. سودگرایی یک سنت از سنن لیبرال است که با فلسفه اخلاق فایده‌گرایی، عجین است. در این سنت، اساس سازمان‌دهی جامعه بر نفع فردی است. البته آن‌ها مدعی‌اند نفع فردی منجر به خیر عمومی می‌شود. بر اساس این رویکرد لیبرال، جامعه به معنای یک حقیقت مستقل از افراد در کار نیست بلکه عبارت است از جمع جبری افراد و افراد تنها منافع خود را مدنظر قرار داده و جویا هستند. لذا در این تفکر «دیگرخواهی» چندان معنادار نیست.

از جمله نهادهای مدرنی که چنین صورت‌بندی مدرنی در جامعه ما می‌سازد، بانک است. فارغ از هر آگاهی و تحصیلی که دارید، بانک به شما می‌گوید اگر پول داشته باشید در بانک گذاشته و سود آن را می‌گیرید و اگر پول نداشته باشید از بانک پول گرفته و سود آن را می‌پردازید. مفهوم سود در این رفت و برگشت دائمی شما با نهاد بانک، سازمان معرفتی افراد را می‌سازد و در این فرایند، قرض‌الحسنه معنایی ندارد و به‌عنوان یک امر غیرعقلانی شناخته می‌شود. ما نسبت به گذشته تا حد زیادی تحت تأثیر نهاد بانک هستیم؛ امروزه هرکس چندین کارت عابربانک دارد. این نهاد مدرن، فرض معرفتی خود را به شما منتقل و تحمیل می‌کند.

۱-۱-۴. رشد عقل ابزاری

چهارمین پدیده در زمینه گسترش اندیشه مدرن، رشد عقل ابزاری، عقل تکنیکی و فنی به‌عنوان تنها صورت عقل است. عقل ابزاری یعنی عقلی معتبر است که تناسب بین وسیله و هدف را در آن وجود داشته باشد. در این نگاه ما تنها در مورد وسیله می‌توانیم نظر بدهیم، حرف بزنیم و قضاوت کنیم؛ راجع به خود هدف ما دیگر نمی‌توانیم صحبتی بکنیم چون امر عینی نیست. ظهور اجتماعی عقل ابزاری در جامعه ما در بطن کتاب‌هایی با عنوان «چگونه پولدار شویم» دیده می‌شود. در این تفکر فرد با خود سؤال نمی‌کند که آیا می‌ارزد که تمام عمر و زندگی خود را صرف پولدار شدن بکند؟! فرد با خود سؤال نمی‌کند که هدف و غایت اقدامات و فعالیت‌های من چیست؟ به این ترتیب ما در جمهوری اسلامی با این عقل مشکل پیدا می‌کنیم؛ زیرا غایات، تمام موضوعیت خود را از دست داده و فقط در مورد وسیله، فکر می‌کنیم. در چنین زیست‌جهانی که عقل ابزاری در آن حکم فرماست، طرح زندگی آرمانی، داشتن

افق‌های بلند و... بی‌معناست. توسعه رشد عقل ابزاری با توسعه نوعی میان‌مایگی اجتماعی توأم است که مثلاً یک امر محدود مثل «اعتبار گذرنامه» به‌عنوان شعار انتخابات و آرمان سیاسی را قابل طرح می‌کند.

۱-۵. روابط کاپیتالیستی (سرمایه‌داری) در جامعه ایران

سرمایه‌داری^۱ فقط یک نظام اقتصادی نیست؛ سرمایه‌داری یک نظام ارزشی است. در این نظام تناقضی با هم ندارد که شما دولتی‌ترین اقتصاد را داشته‌اید اما از نظر اجتماعی سرمایه‌دارترین روابط اجتماعی را نیز داشته باشید. در جامعه سرمایه‌داری کسانی که از طبقه مرفه و ثروتمند هستند ارزش بیشتری دارند؛ یعنی اخلاقیات، علم و عناصر معنوی تعیین‌کننده جایگاه و موقعیت اجتماعی افراد نیست. هرچه پول فرد بیشتر باشد شخصیت او هم بالاتر می‌رود؛ زیرا اعتبار و منزلت اجتماعی افراد وابسته به پول شده است.

در نظام سرمایه‌داری مردم‌سالاری ممکن نیست چون کانون ارزشمندی آن، سرمایه است. در نظام سرمایه‌داری کسانی که صاحبان سرمایه کلان باشند در اقلیت هستند؛ بنابراین مردم‌سالاری که امری جمعی است نمی‌تواند در آن نظام شکل بگیرد. در نظام سرمایه‌داری اقلیت هم بر روابط اجتماعی و هم بر روابط سیاسی و اقتصادی حاکم هستند. این تفکر در جامعه ما پر قدرت در حال شکل‌گیری است. روابط اجتماعی ما در حال کاپیتالیستی شدن است؛ بنابراین در جامعه ما حجاب با این مسئله مشکل پیدا کرده و فهم از حجاب در آن عوض می‌شود.

تغییرات اجتماعی به طرف کاپیتالیستی شدن رفته و ارزش‌ها و موقعیت‌های اجتماعی برای کسانی است که از ثروت بیشتری برخوردار

هستند و افراد نیز خواهان ارزشمندی و احترام در جامعه هستند (Gregory & Stuart, 2013: 41)؛ اما نه ویلای شمال دارند و نه ماشین و خانه گران قیمت. در این حالت تصمیم می‌گیرند که خود را شبیه طبقه مرفه کنند؛ به دنبال سبک زندگی آن‌ها می‌روند تا در جامعه ارزشمند بشود. حجاب در جامعه، این‌طور تغییر می‌کند؛ بنابراین با کتاب شهید مطهری، حجاب در جامعه ما اصلاح نمی‌شود. اگر این نظام ارزشی اصلاح نشود، وضعیت حجاب بهبود نمی‌یابد.

این امر در تهران که نهادهای مدرن‌سازی در آن، قوی‌تر کار می‌کنند، صورت‌بندی جدی‌تری دارد. در تهران حتی مغازه‌های کوچک در جنوب شهر نیز تلاش می‌کنند که شبیه فروشگاه‌های غربی شوند؛ یعنی آن‌ها پایگاه و موقعیت اجتماعی خود را قبول ندارند. پس این پدیده نیز سبک زندگی و زیست‌جهان ما را تغییر می‌دهد.

تفاوت معنادار آراء روحانی و رئیسی در تهران جایی که طرح پروسه مدرنیزاسیون و به طبع آن تغییرات زیست‌جهان قوی‌تر انجام شده است، در انتخابات دوازدهم ریاست جمهوری به‌نوعی نشان‌دهنده تأثیر تغییر در زیست‌جهان جامعه، در الگوی ترجیحات سیاسی آنان است؛ در حالی که متوسط رأی روحانی در سطح کشور، ۵۷ درصد و رئیسی ۳۸/۵ درصد است اما در تهران این رقم ۷۰ به ۲۶ است و آقای روحانی حدود ۲/۵ برابر آقای رئیسی در تهران رأی دارد. علی‌رغم برخی ضعف‌های انکارناپذیر سیاسی آقای رئیسی و جریان حامی سیاسی آن و دخیل کردن برخی متغیرهای دیگر، این تفاوت را تنها نمی‌توان به این موارد محدود کرد.